

حزب دمکرات، سرخورده از "اصلاح طلبان"



حسین مرادبیگی

حزب از این جریان و کنار آمدن با جمهوری اسلامی دل نکنده است. حزب دمکرات در کردستان شماره ۲۹۵ و ۲۹۶ سلسله گفتاری را به این مساله اختصاص داده است و بعد در کردستان شماره ۲۸۹ و ۲۹۹ آن را تکمیل کرده است.

حزب دمکرات با گفتارهایی از نویسنده ای به نام "رهوز" آغاز کرده است. نویسنده ابتدا سیاست "آرامش فعال" را مورد انتقاد قرار داده و آن را شکست و انفعال نام میگذارد. بعد در نوشته "اصلاحات و رهبری جدید آن" از ناتوانی "اصلاح طلبان" و "خطر" انقلاب و خشونت دم میزند. از جمله مینویسند: "در حالیکه انتظار می رفت خاتمی و جناح اصلاح طلب درون حاکمیت پس از پیروزی در انتخابات ششمین دوره مجلس، روند اصلاحات ادعایی خود را تسریع نمایند و با در دست گرفتن قوه مقننه موانع فرا روی خود را یکی پس از دیگری از پیش بردارند طی چند ماه اخیر از سویی بر یورشهای سازمانیافته و هدفمند جناح تمامیت خواه

وضعیت رو به افلاس دوم خرداد و سید محمد خاتمی این "آخرین گزینه نظام" به جانی رسیده است که حزب دمکرات نیز که این همه به آنان امید بسته بود، مجبور شود زبان به گله باز کند و مانند دیگر طیفهای دوخردادی سرخوردگی و یاس خود را از "ناپیگیری" خاتمی و از "اصلاح طلبان" در مقابل جناح راست، ابراز کند.

اما حزب دمکرات هنوز حسابگریهای خود برای آینده و ضرورت دادن چراغ سبزه‌های لازم به ماموران اطلاعاتی رژیم، هر وقت رهبری حزب دمکرات آن را مناسب تشخیص دهد، کماکان در نظر دارد، لذا شکوه و گلایه او آمیزه ایست از "عشق" و "نفرت" طیفهای دوخردادی به خاتمی و سران "اصلاح طلب" درون حاکمیت. حزب دمکرات هرچند عوام فریبانه تلاش کرده است همگامی سیاسی خود را با خاتمی و جریان دوم خرداد که این حزب برای مدت بیش از دوسال به بلندگوی آنان در کردستان ایران تبدیل شده بود، لاپوشانی کند. با این حال همانطور که خواهیم دید این

نیود که در این مدت مردم را به شرکت در این پیرویه فراخوان میداد؟ دیدیم همین حزب دمکرات از "زوتق گرفتن" جریان دوم خرداد و شخص خاتمی چنان به وجد آمده بود که حکم دادگاه میکونوس را به فراموشی سپرد و سر از پا نشناخته به عبای جمهوری اسلامی آویزان شد. رهبری این حزب به امید تبدیل شدن به نسخه علنی دوم خردادی رژیم در کردستان ایران به مامورین اطلاعاتی رژیم اسلامی چراغ سبز داد و آمادگی خود را برای انجام هر خدمتی که از دست حزب دمکرات برآید،

صفحه ۲

رادیو انترناسیونال

(بخش کردی)

برنامه آزمایشی خود را

از روز اول فوریه آغاز کرد

روزهای پنجشنبه هر هفته

از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم

بعدازظهر به وقت تهران

موج کوتاه ردیف ۳۱ متر

برابر با ۹۴۵۰ کیلوهرتز.

ماست، حقیقت ندارد. خانه کارگر یک حزب سیاسی معین است و ما اجازه نمیدهیم که سندیکای خیابازان به دنباله خانه کارگر تبدیل شود. بعلاوه شما که مشکل جا و مکان ندارید، میتوانید دخترتان را باز کنید و لاید کسانی که فکر کنند شما از منافعشان دفاع میکنید به سراغتان خواهند آمد. نمایندگان خیابازان سقز در ادامه میگویند البته باید بدانید در تشکل ما، در

صفحه ۴

محمودصالحی اشاره میکند و میگوید: "چنانچه با ما همکاری کنید و از جمله این رادیو و جریانی که بر سر زندانی شدن محمود علییه ما تبلیغات راه انداخته‌اند را محکوم کنید، ما میتوانیم برای آزادی محمود صالحی کمکتان کنیم." نمایندگان خیابازان و کارگران حاضر در جواب میگویند: "ما یک تشکل کارگری هستیم، آنچه شما راجع به خانه کارگر میگویند که گویا متعلق به

کارگران سندیکای خیابازان سقز،

توطئه خانه کارگر رژیم را خنثی کردند!

سقز و دیگر شهرها در چند ماه اخیر، در مقدمه صحبت خود میگویند: "ما کارگران باید متحد باشیم!" و در ادامه میکوشد آنها را قانع کند تا از طریق دایر کردن خانه کارگر در سندیکای خیابازان سقز، به تشکل ضدکارگری خانه کارگر رژیم بپیوندند. جناب گویله‌ای در ادامه به زندانی بودن

روز ۲۹ دی ماه فردی به اسم گویله‌ای از خانه کارگر سنندج، به نمایندگی از طرف علیرضامحجوب به سندیکای خیابازان سقز رفته و طی نشستی چند ساعته با تعدادی از کارگران و نمایندگان آنها به صحبت میپردازد. نماینده محجوب با توجه به فضای رادیکال مبارزاتی میان کارگران

بی‌پرنسپیی با
زوروق مصلحت کرد

صفحه ۳

برف و کولاک و
بی مسئولیتی رژیم

صفحه ۲

صفحات زشت
تاریخ

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب دمکرات، سرخورده از...

اعلام کرد. کار بجایی رسید که رهبری حزب دمکرات خواب انتقال اردوگاه خود به شهرهای کردستان ایران را میدید. در همین راستا رهبری حزب دمکرات با بوق و کرنا مردم کردستان ایران را به شرکت در انتخابات شوراهاى اسلامى فراخواند و پیوستن خود را به جریان دوم خرداد اعلام کرد. و این در حالی بود که چند روز قبلتر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در سنج و دیگر شهرهای کردستان ایران تظاهرات مردم را به خاک و خون کشیده بودند. رهبری حزب دمکرات در اقدام بعدی خود کاسه از آش داغتر پیروزی "یاران" اصلاح طلب خود را چنان نزدیک میدید که برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای در انتخابات مجلس ششم اسلامی، کمپین وسیعی را راه انداخت.

عبدالله حسن زاده در نشریه الزمان گفت تعصبی در مورد مبارزه مسلحانه ندارد، در نشریه کردستان شماره ۲۸۰ نامبرده گفت "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق انتخابات مجلس غیر ممکن نیست". در جایی دیگری در همین شماره گفت: "به باور من چنانچه افرادی با شخصیت، و مستقل و استوار از همه حوزه های انتخاباتی کردستان به مجلس راه یابند، میتواند به همفکری با یکدیگر پرداخته و از در همکاری دارآیند بی آنکه با خشونت و تشدد در برابر جمهوری اسلامی قد علم کنند". مصطفی هجرى جانشین دبیر کل حزب دمکرات در کردستان شماره ۲۸۰ که لپ کلامش این بود که هدف آنان از فراخوان دادن به مردم برای شرکت در انتخابات، عبارت است از تغییر رژیم اسلامی و سیاستهایش، به قول او به این معنی که رژیم مجبور شود از تعقیب سیاستهای تانکونیش دست بکشد و حتی مبانی فلسفی خود را تغییر دهد! رهبری حزب دمکرات در اطلاعیه دفتر سیاسی این حزب در تاریخ ۷-۳-۷۹ در اخطار

به تشکیل حزب جدید در کردستان، از "مستحق" بودن حزب دمکرات برای کپی دوقرادی شدن این حزب در کردستان ایران به این دلیل میاورد چون تنها حزب کردی بوده است که مردم را در کردستان ایران به شرکت در انتخابات مجلس اسلامی دعوت کرده است، دفاع میکرد. بعد از انتخابات مجلس اسلامی نیز دفتر سیاسی حزب دمکرات رسماً در اطلاعیه ای ضمن ابراز خوشحالی خود از برگزاری "بی دردسر" انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی، اعلام کرد که نمایندگان "واقعی و مستقل" مردم به این مجلس راه یافته‌اند. به نظر میرسد که اگر اوضاع خاتمی و دوم خرداد تا این حد رو به افلاس نبود، حزب دمکرات حتی چراغانی کرده بود که بعد از برگزاری "بی دردسر" انتخابات مجلس ششم اسلامی با این پیام به کنگره دوازدهم این حزب بروند که از شعار سرنگونی رژیم اسلامی کوتاه بیایند! از این بیشتر دیگر چی مانده بود که در این مدت حزب در خدمت به رژیم و جناحهایش انجام دهد؟

حال حزب دمکرات برای مردم شهرهای کردستان ایران که بیش از ۲۱ سال تمام است با مزدوران جمهوری اسلامی شب و روز در خیابانها در جنگ و گریزند چگونه توضیح میدهد که علیه منافع و خواست این مردم، تحت لوای همگامی با اصلاح طلبان و خاتمی، در جهت حفظ سلطه جمهوری اسلامی بر این مردم کوشیده است؟

ادامه گفتار نویسنده برخلاف عوام فریبی حزب دمکرات، عمق "نگرانی" حزب دمکرات را از بی ثبات شدن اوضاع جمهوری اسلامی نشان میدهد. حزب دمکرات از زیان نویسنده روزنامه کردستان ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات چنین مینویسد: "۰۰ مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم در تمامیت آن اگر اینک به شیوه پرهیز از خشونت و در چارچوب جنبش اصلاح طلبی در جریان است در صورتی که سردمدارن حاکم همچنان به سیاست

سرکوب و خفقان ادامه دهند ... مبارزات مردم وارد مرحله ای که شاید بسان دوم خرداد ۷۶ آرام و بدور از خشونت نباشد می شود". حزب دمکرات در دفاع از جمهوری اسلامی سنگ تمام میگذارد و اینجا از زیان نویسنده روزنامه کردستان به شیوه اکبر گنجی و جلائی پور خطاب به جناح راست رژیم نگرانی عمیق خود را از روند اوضاع سیاسی ایران بیان کرده و بعنوان نیروئی که ظاهراً خود را در حفظ نظام اسلامی سهیم میداند به جناح راست را از خطری که از جانب توده مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی، رژیم را تهدید میکند "دلسوزانه" آگاه میکند!

نویسنده در کردستان شماره ۲۹۹ در "نگاهی به سخنان خاتمی در مراسم ۲۶ آذر ماه" مجدداً از "نایبگیری" خاتمی و سیاست "رایزنی" او در قبال جناح حاکم گله کرده و از ادامه این سیاست که جناح به قول حزب دمکرات مسلط را جری تر ساخته است شکوه میکند. نویسنده در همین نوشته که در واقع تتمه نوشته های قبلی است و بیانگر سیاست دوپهلوی حزب دمکرات در قبال خاتمی و جریان دوم خرداد و کل رژیم اسلامی است، میگوید: "به طور کلی کارنامه تاکنونی ریاست جمهوری خاتمی گویای این واقعیت است که نه تنها خاتمی و همفکرانش قادر به پیشبرد اصلاحات واقعی در نظام حاکم نیستند و نمی توانند رژیم جمهوری اسلامی را از بن بستى که در آن گرفتار آمده است نجات دهند، بلکه حتی در جهت جلوگیری از تعمیم و جنبش اصلاح طلبی و رادیکالیزه شدن حرکتهای اعتراضی توده های مردم در ایران و در پیشاپیش آنان جنبش دانشجویان، حاضرند با جناح مسلط رژیم از در سازش درآیند و با آنان همگام شوند" حزب دمکرات که ظاهراً چنین تصویری از کارنامه تاکنونی خاتمی و همفکرانش داشته پس در مورد نظرات رهبری

این حزب و عبدالله حسن زاده دبیر کل فعلی آن در مورد کارنامه تا دیروز خاتمی و همفکرانش چه میگوید؟ اگر تصویر حزب دمکرات از خاتمی و "اصلاح طلبان" این بود پس چرا حزب دمکرات بعنوان سخنگوی این جناح در کردستان مردم را به امید اصلاحات به شرکت در انتخابات تشویق کرد؟ حزب دمکرات در مورد مصاحبه مصطفی هجرى معاون دبیرکل حزب با رادیو آزادی که میگفت: "حزب ایشان خودش را در مقابل جناح دوم خردادی رژیم نمی بیند". می گفت: "اصلاح طلبان توانسته اند گامهایی در راه آزادی و دمکراسی بردارند که از طرف حزب دمکرات قابل احترام است. در مورد سخنان عبدالله حسن زاده در گفتار خود خطاب به فعالین حزب دمکرات در تاریخ ۲۰-۶-۲۰۰۰ در مورد ایجاد حزب جدید در کردستان که ضمن اظهار ادب خود به خاتمی، می گفت: "آقای خاتمی به مردم میگوید ساکت باشید. ما هم میگوئیم ساکت باشند" چه توضیحی خواهد داد؟ اینکه حزب دمکرات اکنون چنین ادعایی را دارد این را دیگر باید در بی مایگی این حزب جستجو کرد.

واقعیت این است در تمام مدتی که حزب دمکرات بادبان امید خود را به بادخاتمی و "اصلاح طلبان" درون رژیم بسته بود، رهبران حزب دمکرات پا بیای سخنگویان محلی رژیم قربان و صدقه خاتمی و دیگر اصلاح طلبان رفتند و خلاصه به هر تشبیهی دست زدند تا تحت عنوان پشتیبانی از جناح "اصلاح طلب" درون رژیم، سران جمهوری اسلامی را از "حسن نیت" حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد در مورد آینده جمهوری اسلامی، مطلع کنند!

کارگران و توده مردم آزادیخواه کردستان با سابقه و سیاست زد و بند حزب دمکرات با جمهوری اسلامی از همان روزهای بعد از انقلاب ۵۷ آشنائی دارند. توسل حزب دمکرات به خاتمی و دوم خرداد برای دادن چراغ سبز به ماموران اطلاعاتی رژیم در کردستان چیز تازه ای نیست. این حزب جز با

نفرت کارگران و توده های مردم آزادیخواه کردستان روپرو نخواهد شد بویژه که کارگران و زنان و جوانان حزب کمونیست کارگری ایران را در پیشاپیش صف رادیکال خود دارند و ما همه آنان را برای سرنگونی رژیم اسلامی و کسب آزادی و برابری کامل به صف حزب کمونیست کارگری ایران فرامیخوانیم. ■

برف و کولاک و**بی مسئولیتی رژیم اسلامی**

عبدالله شریفی در رابطه با بارش برف شدید و کولاک در بعضی از مناطق کوهستانی ایران اطلاعیه ای تحت عنوان "رژیم اسلامی تماماً در مقابل نیازهای مردم قرار گرفته است" صادر کرده است. در این اطلاعیه عبدالله شریفی آمار واقعی تلفات مردم را که در روزهای یکشنبه و دوشنبه نهم و دهم بهمن ماه در اثر برف و سرما در مسیر کرمانشاه-پاوه، جان باختند، ۱۸ نفر اعلام کرده است. رسانه های رژیم این آمار را ۱۴ نفر اعلام کرده بودند.

عبدالله شریفی ضمن تسلیت به بازماندگان این حادثه جانخراش از طرف خود و رفقاییش در حزب کمونیست کارگری، مردم پاوه و جوانرود و روانسر و توابع را به مبارزه متشکل علیه رژیم اسلامی، درخواست خسارت به بازماندگان از طرف رژیم و تامین فوری موادسوختی فراخوان داده است.

در بخشی از اعلامیه آمده است: در نتیجه حاکمیت مشتى سرمایه دارمفتخور، و طفیلی هائی از قماش سران جمهوری اسلامی علاوه بر فقر و بیکاری و زندان و شکنجه، مصائب ناشی از سوانح طبیعی نیز گریبانگیرصدها میلیون انسان در جهان شده است. در اعلامیه اضافه شده است:

اگر دستاوردهای علمی و تکنولوژیک بشر که امروز در انحصار سرمایه داران برای سودآوری سازمان داده شده در خدمت رفع نیازهای جامعه بکار گرفته شود، انسان قادر به مصون کردن خود در مقابل تمام این مصائب خواهد شد.

بی‌پرنسیپی با زوروق "مصلحت کرد" ابرج فرزند

رادیو جماعت عبدالله مهتدی از یکی از کادراهیانشان بهمن علییار پرسیده است: "آیا کم شدن ارتباط با توده‌ها و دوری از رویدادهای سیاسی کردستان ارتباطی با خفقان و دیکتاتوری جمهوری اسلامی و کم شدن فعالیت نظامی و حضور پیشمرگ در بین مردم ندارد؟"

بهمن علییار در پاسخ گفته است: "درست است که حضور پیشمرگ در ناحیه و درمیان مردم قوت قلب بوده است، روحیه‌شان را بالا برده و مردم یک نیروی پشتیبان و دلسوز خود را احساس کرده اند، اما وظیفه نیروی انقلابی این است که اگر در شرایط مبارزه تغییراتی بوجود آمد، راه‌های مناسب با آن تغییرات را بیابد. کومه‌له به دلیل مصلحت عمومی تری، طبق مصلحت عمومی جنبش حق طلبانه خلق کرد و با در نظر گرفتن وضع مبارزه و زندگی و گذران مردم در بخش دیگری از کردستان، فعالیت نظامی خود را در کردستان ایران کم کرده است. این سیاستی منطقی و قابل دفاع است، این به معنی تغییری در موضع ما در باره مبارزه مسلحانه نیست، بلکه تصمیمی سیاسی است که به نسبت اوضاع سیاسی منطقه گرفته شده است."

بحث من این نیست که آیا این ادعای جریان عبدالله مهتدی در مورد "کم کردن" مبارزه مسلحانه تا چه حد درست است، چرا که طی این مدت چندماهه که از اعلام بازسازی آنها میگذرد، کسی اصلاً خبری از فعالیت مسلحانه اینها در "داخل" نشنیده است تا بحثی از کم کردن آن و دلالت این کم شدن خواسته باشد.

نکته مهمتر در واقع اعلام دست کشیدن از مبارزه مسلحانه با توجیه "مصلحت عمومی‌تر جنبش خلق کرد" است. و جالب این است که

نظر دارد.

یادمان نرفته است، وقتی "مصلحت خلق کرد" ایجاب میکرد که اتحادیه میهنی برای نزدیکی به ترکیه با پ ک ک درگیر شود، جناب مهتدی گفت که او جالان "استالین نیست" است! و واقعا اینها راه دیگری ندارند، وقتی گروهی را بر اساس منافع و مصلحتهای روز جلال طالبانی بازسازی کردند، باید هم به موازین خود وفادار بمانند. با سیری بر اوضاع منطقه، به روشنی این حقیقت را میتوان دید که احزاب ناسیونالیست که از نظر سیاسی مطرح هستند و حرکات آنها بر زندگی مردم تاثیر منفی داشته است، طی بویژه ده سال اخیر خیلی روشن‌تر و صریح‌تر عوامل و مهرهای بازی در دست دولتهای منطقه بوده‌اند. حمله جمهوری اسلامی به مقر مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران را در داخل خاک کردستان عراق همه به یاد دارند که طی آن نیروهای اتحادیه میهنی پیشقراول بودند. حمله مشترک حزب دمکرات کردستان عراق و ارتش بعث را در تسخیر اربیل همه میدانند. بازپس گرفتن سلیمانیه توسط اتحادیه میهنی با کمک جمهوری اسلامی را نیز دیدیم. دفاع پ ک ک از جمهوری اسلامی و برچسپ زدن به اعتراضات مردم سندج بعنوان عوامل میت و صهیونیسم را نیز اینها با بی شرمی جار زدند. در جریان یورش باند طالبانی به حزب کمونیست کارگری عراق خود آنها بی پرده اعلام کردند که دستور کشتار کمونیستها و ممنوع ساختن فعالیت علنی آنها را از جمهوری اسلامی گرفته‌اند. کیهان جمهوری اسلامی هم قدردانی رژیم از طالبانی را چاپ کرد. و اکنون هم که هماهنگی اتحادیه میهنی و ارتش ترکیه را علیه پ ک ک نیز شاهدیم. بعنوان یک نتیجه‌گیری منطقی از این حرکات و تصاویر، هر انسان اندک منصفی میتواند تشخیص دهد که جریانات ناسیونالیستی هیچ ربطی به

مبارزه مردم کردستان علیه ستم ملی ندارند. خود اینها صریح گفته‌اند ریاست صدام را باید پذیرفت و منافع دولتهای منطقه را پاس داشت. اما این نوع حرکات و مواضع بالاخره در مکان جغرافیایی معین و با پیشینه معینی صورت میگیرد. در این منطقه از جمله مساله کرد، یک معضل اساسی است که اذهان مردم را به خود مشغول کرده است. احزاب ناسیونالیست تا زمانی که تیغ آنها در سوار شدن به موج تنفر مردم از ستمگری ملی میبرد، سعی میکنند خرافه ناسیونالیسم را زنده نگاه دارند و از طریق آن اذهان مردم تحت ستم را مسموم کنند و یا امکان توهم پراکنی را نگاهدارند. به همین دلیل تمام این بند و بستهای آشکار و پنهان با دولتهای منطقه را، همواره سعی کرده‌اند بعنوان الزامات و تعهدات خود به "مصلحت جنبش عادلانه مردم کردستان" اعلام کنند. و موضع جماعت مهتدی در باره عدم تحرک مبارزه مسلحانه با توجیهاات احزاب حاکم در کردستان عراق در این زمینه معنی دارد. بحث بر سر نقش نیروی مسلح در مقاطع مختلف مبارزه مردم نیست، تصمیم اینها حتی فراتر از تعریف مجدد مبارزه مسلحانه و یا تعطیل آن طبق موازین و "مصلحت"های احزاب ناسیونالیستی است. جهت و تصمیم اینها نشست و برخاست طبق منافع و مصلحت اتحادیه میهنی (مصلحت خلق کرد کذابی؟!) است. بیخود نگفتیم که اینها شاخه ایرانی اتحادیه میهنی هستند. همین فردا اگر مصلحت اتحادیه میهنی ایجاب کند. نیروی مسلح هم به داخل میفرستند و هیچ نگرانی هم نخواهند داشت. این یک برش قطعی و یک وجه مشخصه جماعت مهتدی از کومه‌له کمونیست سابق است. دیپلوماسی، مبارزه مسلحانه و نقش نیروی پیشمرگ، روابط و مناسبات با احزاب و دولتها، همگی بر این اساس مجدداً و از بنیان دقیقاً منطقی بر خاستگاه ناسیونالیسم کرد "بازسازی"

شده‌اند. این یک شیفت طبقاتی از کومه‌له کمونیست به کومه‌له جماعت عبدالله مهتدی و دوست جلال طالبانی است. این وجه مشخصه، و معیار بازشناسی جریان مهتدی است. وجوه عرض اندام این جریان تازه وارد به میدان سیاست ناسیونالیسم کرد، ممکن است منقبض یا منبسط شوند، ممکن است امروز بنا به مصلحتی مبارزه مسلحانه را تعطیل کنند، شاید فردا آنرا گسترش دهند. اما باید به یک حقیقت در مورد اینها توجه داشت: جماعت عبدالله مهتدی خود را از همه شواذب چپ تکانه‌اند و به مثابه نیروی جدیدی به کمپ ناسیونالیسم کرد پیوسته‌اند. این را باید نشان مردم داد و تلاش آنها را به منظور عرضه کردن خود بعنوان ادامه دهندگان کومه‌له رادیکال دورانیهای اول اعلام موجودیت باید قاطعانه افشا کرد. خوشبختانه اسناد این تاریخ موجودند و انسانهایی که بخش عمده این تاریخ را در زندگی سیاسی خود حمل میکنند، در حزب کمونیست کارگری متشکل‌اند. در چنین اوضاع و شرایطی، راه انداختن یک جریان دیگر ناسیونالیستی با اقبال چندانی روبرو نخواهد شد. ذوق زدگی و دستپاچگی اینها در سقوط به دامن جریان حاکم بر سلیمانیه، دیر یا زود فرو مینشینند و بی مایگی اینها را همه خواهند دید. این جماعت درست در دورانی که ناسیونالیسم کرد در منطقه، افتضاح پشت افتضاح بالا آورده است، راه‌اندازی یک جریان جدید ناسیونالیستی را در دستور کار خود گذاشتند. اینها قدرت و نفوذ کمونیسم را در میان مردم کردستان دست کم گرفته‌اند. ■

کمک مالی به کمیته کردستان

محمود سلیمی ۵۰ پوند
از نروژ:
کژال و آرام ۵۰۰ کرون
نرمین ۲۰۰ کرون
ریبوار ۱۰۰ کرون
داریوش ۲۰۰ کرون

مرگ بر جمهوری اسلامی!

پس "صفحات زشت" تاریخستان با مردم را چکار میکنید؟



رحمان حسین زاده

جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی در پیامی به مناسبت نه سال انتشار روزنامه "کردستان نو" روزنامه حزبی به گوشه کوچکی از تاریخ "زشت" مناسبات بین اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق اذعان نموده است. طالبانی در پیام ۱۴-۱-۲۰۰۱ گفته است. "بویژه با جناب کاک مسعود بارزانی برادر عزیزمان و بنده مخلصتان با هم تصمیم گرفته‌ایم که صفحات کثیف فیما بین را پاره کنیم و صفحات جدیدی را بکشاییم". بنا به مصلحت روزشان و تا جاییکه در حوزه اختیار طالبانی و بارزانی می‌گنجد، مختارند که چه چیزی را پاره میکنند و چه چیزی را می‌کشایند. اما بد شانسی طالبانی - بارزانی از آنجا شروع میشود، که به دو لحاظ امکان پاره کردن و گشودن را به میل خود ندارند. اول اینکه تاریخ "زشت" مناسبات این دو حزب به عنوان دو نیروی اصلی و اجتماعی ناسیونالیسم کرد در صحنه سیاسی کردستان متأسفانه مستقیماً زندگی و سرنوشت مردم را تحت تاثیر قرار داده است و عواقب هولناک این تاریخ یقه مردم را گرفته است. دوم: هریک از این احزاب "صفحاتی به مراتب زشت‌تر" از آنچه با همدیگر داشته‌اند، با مردم کردستان داشته و در تاریخشان ثبت است و هیچ کس و جریانی هم نمیتواند به میل خود آن را پاره کند و عوض کند.

در تاریخ سیاسی کردستان عراق پدیده بارزانی- طالبانی علیرغم اختلافات و کینه‌های دیرینه و امروزشان اتفاقاً تاریخ مشترک و مشابه فراوان دارند. ملا مصطفی بارزانی (پدر مسعود بارزانی) و جلال طالبانی از سرکردگان شناخته شده جنبش ملی کرد در نیم قرن اخیر بوده‌اند و با هم در حزب دمکرات کردستان فعالیت داشتند، به معامله و بند وبست با دولت مرکزی و دولتهای منطقه مشغول شدند،

با هم اختلاف پیدا کردند و فراسیون "ملایی - جلالی" درست کردند و در راه اهداف "زشت" فراسیونشان، مردم را به جان هم انداختند. هر کدام به نیروی زورگو و بالا سر مردم تبدیل شدند و جنایات بیشماری در حق این مردم در تاریخشان ثبت است. برای شناخت "صفحات زشت" تاریخ اینها هر انسان منصفی اگر تنها کتابهای "نوشیروان مصطفی" نور چشم و یارو یاور طالبانی و کسی که خود در این تاریخ شریک بوده را بخواند، متوجه عمق کثافت جنبش ناسیونالیسم کرد خواهد شد و به غیر از تف کردن به این تاریخ نتیجه دیگری نمیگیرد.

صفحات پرورنده سیاسی طالبانی - بارزانی چه در دوران اولیه ای که متحد و در یک حزب متشکل بوده اند و چه آزمان که طالبانی، ملا مصطفی بارزانی را در مقابل خود داشته، چه در دوران اخیر که با فرزند او مسعود بارزانی در جنگ و آشتی بوده است، سراپا صفحاتی سیاه علیه مردم و آزادیخواهی و مبارزه حق طلبانه مردم کردستان از جانب هر دو طرف بوده است.

در نگاهی گذرا به این تاریخچه آنچه بطور برجسته قابل مشاهده است، چنین است.

- به دست گرفتن مسئله کرد به مانند "کارت بازی" با دولتها و نیروهای ارتجاعی منطقه و در سطح بین المللی و به گرو گرفتن سرنوشت مردم و بند وبست حول آن.

- وابستگی به مصالح و منافع دولتهای ارتجاعی منطقه و تحمیل شکست پشت شکست و به اصطلاح خودشان "آش بتال" بر تلاشهای مردم برای رهایی از ستم ملی و زورگویی دولتهای مرتجع مرکزی بنا به مصالح این دولتها.

- مقابله با هر نوع آزادیخواهی و ترقیخواهی، اشاعه افکار و سیاست و فرهنگ ارتجاعی، ضدیت با

خانه کارگر برای کشاندن سندیکای خبازان سقز به راستای منافع جمهوری اسلامی و قرار دادن آن در مقابل کمپین برای آزادی محمود صالحی که حدود چهار ماه است از جانب حزب کمونیست کارگری براه افتاده و طیف وسیعی از اتحادیههای کارگری و جریانات آزادیخواه را در سراسر جهان به حمایت از او جلب کرده است با شکست مواجه شد. در خاتمه و پس از چند ساعت بحث و جدل، گویلمای ناموفق سندیکا را ترک کرد.

لازم به یادآوری است که رژیم اسلامی و تشکل خانه کارگر که ماهیت ضدکارگری خود را صدها بار نشان داده است به شیوه های گوناگون در راه فعالیت سندیکای خبازان سقز سنگ اندازی کرده و برای تبدیل آن به وسیلهای در دست خود کوشیده اند. از جمله چندی پیش برای کنار گذاشتن محمود صالحی از مسئولیت این تشکل غیرمستقیم تلاش کردند. همچنین کوشیدند در محل سندیکا دفتر بسیج دایر کنند و چند نفر را به این نام در سندیکای خبازان سازمان دهند. خوشبختانه کارگران خباز سقز با هوشیاری همه این تلاشهای ارتجاعی و ضدکارگری رژیم و ارگان ضد کارگری خانه کارگرش را خنثی کرده‌اند.

کمپینته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از آزادی فعالیت مستقل سندیکای خبازان سقز، همچنین از آزادی بی قید و شرط برای همه کارگران در ایجاد تشکل های خودشان، همچنان به کمپین خود برای آزادی محمود صالحی و فشار آوردن به رژیم اسلامی در جهت گردن نهادن به این خواست برحق سندیکای خبازان سقز و هزاران کارگر شهرهای دیگر و سازمانهای کارگری بسیاری در سراسر جهان، ادامه خواهد داد.

زنده باد همبستگی طبقاتی و جهانی کارگران
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ بهمن ۱۳۷۹
۲۹ ژانویه ۲۰۰۱

زیادی در این جامعه اند. تاریخچه اینها پر است از این دست صفحات سیاه که طالبانی تنها به گوشه ای از آن اشاره دارد و "پاره" کردن آن دیگر از اختیار آنها خارج است.

پایان دادن به این تاریخچه و جلوگیری از ادامه و تکرار این "صفحات زشت" در گرو پایان دادن به سلطه ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی ناسیونالیسم کرد و احزاب آن در صحنه سیاسی کردستان است. مردم آزادیخواه کردستان عراق برای رهایی خود از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی علاوه بر خلاصی از دست رژیم فاشیست بعث، همزمان لازمست خود را از دست ناسیونالیسم کرد و در راس آن حزب دمکرات و اتحادیه میهنی خلاص کنند. به میدان آمدن جنبش رادیکال و آزادیخواهانه به رهبری کمونیستها راه سر راست به فرجام رساندن این واقعه است. یک رکن اساسی پیشروی کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری در کردستان در جوابگویی به این امر مهم نهفته است. این وظیفه ای سنگین و مهم و عمیقاً انسانی است. * * *

کارگران سندیکای خبازان

مورد هر مساله ای مجمع عمومی کارگران تصمیم گیرنده است و اطمینان داشته باشید کسی به خواست شما جواب مثبت نخواهد داد." در مورد محمود صالحی کارگران میگویند: "محمود صالحی نماینده ما کارگران خباز است و بدون هیچ جرمی زندانی شده است، معلوم نیست چرا برای آزادی ایشان ما باید کسانی را که برای آزادی او تبلیغات میکند محکوم کنیم، ما حاضر به چنین کاری نیستیم". بدین ترتیب تلاش مسئولان